

در روزی که مرا گزیند ای وی در آن باشد تو نینق ده گفت میداد  
 که در حق تو خطا نم گفت و که ام عاقل در وقت ملاقاست خدا ای تو  
 افتد ای بروی او دارد و در وقت کمان بزوغ جایز دارد و بگفته  
 ای خلیفه رسول خدا ای میبخش در صدق تو شک نیست بگوی ای  
 میگوی گفت در آخر شب خواب بر من غلبه کرد رسول اعلیٰ علیه  
 وسلم دیدم که دو جامه سفید پوشیده بود و اطراف آن حلیمه  
 حبیبه میگردد ماکا که آن دو جامه سفید بپوشیدن گرفت  
 و در خشنیدن چنانکه نور آن میبخشیده راهی ریود و در دو جامه  
 رسول اعلیٰ علیه وسلم در دیند با لایو دند در غایت خوشحال  
 لباس ایشان از نور و نقای ایشان سر باده سر و پیش رسول اعلیٰ  
 علیه وسلم مرا سلام کرد و شرف مصافحه شرف ساخت دست  
 مبارک بر سینه من نهاد و خفایان و اضطرانی که در خودی یافته ساکن  
 گفت ای ابو بکر کشتیاق با بلا فای تو بسیار است وقت آن شد  
 که پیش ما ای من در خواب خندان که سیمیم که اهل من از آن خبر داد  
 و بعد از آن مرا خبر دادند پس گفتیم و اشرفاه الیک رسول اللہ صلی

اعلیٰ علیه وسلم فرمود که اندکی مانده است که در صال بی تو سر فرقی  
 دست و در بعد از آن گفت خدای تعالی ترا در تو نفس خلاف اختیار  
 داد که گفت یا رسول تو اختیار کن رسول اعلیٰ علیه وسلم فرمود که ولی  
 رعیت است از عامل صادق قوی فاروق را که مرضی است در زمین  
 و آسمان و بیاگردد ترین روز کار است اعنی عمر بن الخطاب پس  
 بر پشت که این دو مرد وزیران تو اند در دنیا و مدینه کاران تو اند  
 در وقت وفات و تمسایه تو اند در بهشت بعد از آن مرا سلام  
 کرد آن دو مرد نیز مرا سلام کردند و گفتند خلیفه خلاص باقی  
 از گروه و تو صدیقی در آسمان و تو صدیقی در میان ملائکه و صدیقی در  
 زمین و صدیقی در میان خلق گفت یا رسول اعلیٰ بدر و یاد من فرست ای  
 تو یاد این مرد گمانت که من مثل ایشان ندیده ام فرمود که این دو  
 فرشته که بر من خبر سال میکا سیل پس بر وقت من بیدار شدم در شماره  
 از آن بیدار و او اهل بیت من بر اهل بن کریمان  
 که حالت بی منی اعلیٰ علیه گفته است که بعضی گفته اند که ابو بکر را در  
 شهادت او من گفتم بعضی گفته اند بعضی بر من گفتم در شهادت تو پیش

اعلیٰ علیه وسلم

Copyrighted by University